



رسیدگی تراکش های مالی

مقدمه

تدوین استانداردهای حسابداری و حسابرسی است. این مورد هم طی بند الف ماده ۹۵ ق.م.م. مصوب ۱۳۸۰ به شرح زیر تأیید و تأکید شده است: (الف: صاحبان مشاغل که به موجب این قانون مکلف به ثبت فعالیت‌های شغلی خود در دفاتر روزنامه و کل موضوع قانون تجارت هستند، باید دفاتر و اسناد و مدارک مربوط را با رعایت اصول و موازین و استانداردهای پذیرفته‌شده حسابداری نگهداری کنند). در چنین شرایطی و در قوانین مالیاتی، قبل از سال ۱۳۹۴ در صورت بطلان دفاتر مؤدی سه حالت وجود داشت: الف- مؤدی براساس موارد مذکور در ماده ردی دفاتر موضوع آیین‌نامه تحریر دفاتر

حسابرسان و حسابداران در انجام وظایف محوله خود به ترتیب موظف به رعایت الف- قوانین، ب- آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌ها، ج- استانداردهای حسابداری و حسابرسی هستند و در واقع از آنجایی که در خصوص امر حسابداری و حسابرسی قانون خاص و مدونی وجود ندارد، چنانچه از باب موردی، قانون مختص آن وجود نداشته باشد، حسابرسان و حسابداران مکلفند براساس استانداردهای حسابرسی و حسابداری انجام وظیفه کنند و استانداردها در واقع نقش قانون را در امر حسابداری و حسابرسی بازی می‌کنند و سازمان حسابرسی نیز براساس اساسنامه خود و



غلامرضا رادمهر



فرهاد حکیمی



- مستندات حسابرسی که در تهیه آنها الزامات این استاندارد و الزامات ویژه سایر استانداردهای مربوط رعایت شده باشد، شواهد زیر را فراهم می‌کند:

الف- شواهد پشتیبان نتیجه‌گیری حسابرس در خصوص دستیابی به اهداف کلی حسابرس، و

ب- شواهد انجام حسابرسی طبق استانداردهای حسابرسی و الزامات قانونی و مقرراتی مربوط.

مستندسازی توسط حسابرسان عمدتاً از طریق کاربرگ‌های حسابرسی انجام می‌شود که توضیح آن به شرح زیر است [۳۳]:

- می‌توانند در گروه‌های زیر طبقه‌بندی شود:
- ۱- کاربرگ‌های عمومی
 - ۲- کاربرگ نهایی
 - ۳- کاربرگ‌های اصلی
 - ۴- کاربرگ اصلاحات پیشنهادی و تعدیلات طبقه‌بندی
 - ۵- کاربرگ‌های تفصیلی
 - ۶- کاربرگ تجزیه و تحلیل
 - ۷- کاربرگ صورت مغایرت
 - ۸- کاربرگ‌های محاسباتی
 - ۹- مدارک مؤید

مدارک مؤید

حسابرسان علاوه بر رسیدگی به مدارک حسابداری صاحبکار و بررسی سیستم‌های حسابداری و کنترل‌های داخلی آن، مدارک تشریحی دیگری را نیز برای اثبات صحت مطالب منعکس در صورت‌های مالی و توجیه گزارش خود گردآوری می‌کنند، به این‌گونه مدارک اصطلاحاً مدارک مؤید گفته می‌شود. نسخه‌ای از صورت جلسات مجامع عمومی و هیئت مدیره، اساسنامه و مدارک ثبت شرکت، آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها، قراردادهای خرید و فروش، قراردادهای وام، قرارداد انتشار اوراق مشارکت، تأییدیه‌های دریافتی از بانک، تأییدیه و کیل حقوقی شرکت، تأییدیه مدیران و نظایر آنها، نمونه‌هایی از مدارک مؤید است.

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود تأییدیه‌های دریافتی از بانک که جز مدارک رسمی و تهیه شده در خارج از مؤسسه به حساب می‌آید از جمله مهمترین مدارک مؤید هستند و آن پاسخ‌هایی است که حسابرسان در مقابل استعلام انجام شده از بانک در خصوص مورد خاصی دریافت

کاربرگ حسابرسی

کاربرگ حسابرسی، ابزار کار حرفه حسابرسی است؛ حسابرسان روش‌های به کار برده شده، آزمون‌های انجام شده، اطلاعات جمع‌آوری شده و نتایج بدست آمده در طول اجرای عملیات حسابرسی را در کاربرگ‌ها مستند می‌کنند.

کاربرگ‌های حسابرسی، حلقه ارتباطی بین مدارک حسابداری صاحبکار و گزارش حسابرسان است و کلیه کارهای انجام شده توسط حسابرسان را مستند و گزارش حسابرسان را توجیه می‌کنند. کاربرگ‌های حسابرسی باید حاوی کلیه اطلاعات مربوط به اظهارنظر درباره مطلوبیت ارائه صورت‌های مالی صاحب کار باشد و می‌تواند به شکل ثبت اطلاعات روی کاغذ، فیلم، ضبط الکترونیکی یا دیگر ابزارهای مشابه باشد.

انواع کاربرگ‌ها

طبقه‌بندی کاربرگ‌ها کار نسبتاً مشکلی است. با این حال، کاربرگ‌های تهیه شده

ماده ۹۵ ق.م.م محکوم به ردی دفاتر می‌شود.

ب- براساس عدم رعایت اصول و موازین و استانداردهای پذیرفته‌شده حسابداری (موضوع بند الف ماده ۹۵ ق.م.م) غیرقابل رسیدگی اعلام می‌شود.

ج- به علت عدم ارائه اسناد و مدارک درآمدی (از قبیل فاکتور رسمی، صورت وضعیت پیمانکاری و قرارداد) مستقیماً مشمول مردودی دفاتر می‌شود.

از سه حالت فوق دو حالت اول بنابر رأی هیئت بند سه ماده ۹۷ ق.م.م اعلام می‌شود و مورد سوم هم مستقیماً توسط مأموران مالیاتی اقدام می‌شود.

به هر حال حسابرسان در اجرای استاندارد شماره ۲۳۰ [۵] مکلفند گزارش خود (مثلاً اظهارنظر نسبت به صورت‌های مالی) را مستند کنند و در این خصوص بر اساس استاندارد مذکور:

- ماهیت و اهداف مستندات حسابرسی

می‌کنند.

صورت حساب (کارت) بانک

جدولی چاپی است که توسط شعبه بانکی که صاحب حساب در آن حساب دارد، صادر شده و شامل ریز وجوه دریافتی و پرداختی صاحب حساب به ترتیب تاریخ است و در هر مرحله از جمله آخرین مقطع زمانی که صورت حساب صادر شده، مانده حساب را نمایش می‌دهد.

کاربرد این صورت حساب برای حسابرسان (مأموران مالیاتی هم حسابرس هستند) این است که اولاً (با فرض نبودن صورت مغایرت) مانده نمایش داده شده در صورت حساب دقیقاً رقمی است که در صورت‌های مالی و ترازنامه باید نمایش داده شود. ثانیاً نظیر به نظیر ورود و خروج وجوه به حساب را نمایش می‌دهد که نشانگر این است که همان ارقام بایستی در دفاتر به ثبت رسیده باشد که در این صورت می‌تواند بخش وجوه نقد صورت‌های مالی را تأیید یا تکذیب کند.

لذا کنترل آن برای حسابرسان به عنوان مدرک مؤید صورتهای مالی بسیار حائز اهمیت است.

تراکنش‌های بانکی

طبق بند (د) از ماده ۱ آیین‌نامه نظام بانکداری الکترونیکی [۲۳]: تراکنش، یک پیام^۱ الکترونیکی که بنا به تقاضای مشتری در یکی از درگاه‌های ارائه خدمات بانکی نظیر خودپرداز و یا پایانه فروش^۲، ایجاد و به شبکه الکترونیکی بانکی^۳ ارسال می‌شود.

با تصویب قسمت ۲ بند پ ماده ۱۶۹ مکرر در اصلاحیه قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۹۴، دسترسی به صورت تراکنش‌های بانکی به طور کلی به وجود آمد و بنابراین عملاً مشکل عدم ارائه صورت حساب (کارت) بانکی توسط مؤدی حل شد. تراکنش‌های بانکی در حقیقت همان صورت حساب (کارت) بانکی است. با این تفاوت که این سند رسمی^۴ کاملاً قابل‌انکاء، اولاً به موجب قانون و از

طریق بانک مرکزی به مأموران مالیاتی واصل می‌شود نه مؤدی و شعبه بانک صاحب حساب، ثانیاً این سند، قابلیت اعمال محاسبات، مثلاً حذف ارقام سبک (مثلاً زیر ۱۵۰ میلیون ریال)، گزارش‌گیری و مانند این را دارد و ثالثاً بیشتر به شکل الکترونیکی (مثلاً CD) (نه کاغذی) است که در هر حال کوچکترین خللی به اعتبار آنها وارد نمی‌کند.

در نظام حقوقی ایران نیز با توجه به مستندات قانونی، باید تراکنش بانکی را سند به شمار آورد [۱۳].

مالیات بر تراکنش‌های بانکی

کلمه مالیات بر تراکنش‌های بانکی یک اشتباه مرسوم است که باید به خوبی با آن آشنا شده و از مشکلات این سوء تفاهم پرهیز کرد و این که اصولاً تراکنش بانکی پایه مالیاتی نیست که حالا با آن بتوان مالیاتی را تحت عنوان مالیات بر تراکنش‌های بانکی دریافت کرد، به عبارت دیگر چه قبل از قانون ۱۳۹۴ و چه بعد آن، تکلیفی به عنوان دریافت مالیات بر پایه تراکنش بانکی به وجود نیامده است. بلکه صرفاً با بوجود آمدن ماده ۱۶۹ مکرر ق.م.م دسترسی به صورت حساب‌های بانکی احاد جامعه به طور قانونی به وجود آمده و تسهیل شده است و دیگر نیازی به همکاری مؤدیان در این زمینه وجود ندارد.

اما آیا صرف داشتن تراکنش‌های بانکی مؤدیان منجر به دریافت و مطالبه مالیات خواهد شد؟ جواب این سؤال بسیار مهم است و در پاسخ آن باید گفت که:

اولاً چنانچه مؤدی بدین واسطه مشمول مالیات شود آن مالیات، مالیات عملکرد یا مالیات متمم عملکرد با رعایت ماده





۱۵۷ ق.م.م خواهد بود. به بیان دیگر تراکنش‌های بانکی هم مانند سایر اطلاعات مالیاتی واصله از مؤدیان در دو بُعد مطرح است:

الف- اطلاعات مربوط به فعالیت‌های پولی مؤدی که بنا به اظهار مؤدی جنبه مالی و تجاری دارند و بنابراین در دسته‌بندی مالیات‌ستانی قرار خواهند گرفت و ممکن است مشمول مالیات باشند و ممکن است مشمول مالیات نباشند. مثلاً دریافت و پرداخت وجوه حاصل از فعالیت‌های تجاری اشخاص، مشمول مالیات عملکرد آنان خواهد بود و در مقابل وجوه پرداختی و دریافتی آنان در مقابل خرید و فروش ملک مشمول مالیات عملکرد نخواهد بود.

ب- اطلاعات مربوط به فعالیت‌های پولی مؤدی که بنا به اظهار مؤدی جنبه مالی و تجاری ندارند و بنابراین در دسته‌بندی مالیات‌ستانی قرار نخواهند گرفت و مشمول مالیات نیستند. مثلاً وجوهی که مدیریت ساختمان بابت وظایف محوله و هزینه‌های جاری ساختمان از ساکنین دریافت و پرداخت می‌کنند و یا مثلاً وجوهی که کارکنان یک مجموعه در قالب تنخواه‌گردان دریافت و پرداخت می‌کنند. ثانیاً قانون‌گذار در تبصره ۳ ماده ۱۴۷ ق.م.م. مصوب ۱۳۹۴ قبولی هزینه‌های بالغ بر ۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال را با داشتن سایر شروط مفاد ماده‌های ۱۴۷ و ۱۴۸ ق.م.م. پرداخت هزینه از سیستم بانکی اعلام کرده است و چنانچه این ارقام در بدهکاری تراکنش بانکی و در آن تاریخ وجود نداشته باشد از جمله هزینه‌های غیرقابل قبول مالیاتی تلقی خواهد شد.

ثالثاً صورت تراکنش‌های بانکی فی‌نفسه مدرک مؤید است و به تنهایی مثبت یا منفی چیزی نیست و در صورتی که

بستانکاری تراکنش بانکی، چنین حکمی وجود ندارد.

رابعاً عنوان کردن قواعد حقوقی همچون اقدام، لاضرار و ... تماماً رویه‌ایی است که صرفاً قصد توجیه این خلاء را داشته و از همه این قواعد مهم‌تر نص صریح قانون است و در بُعد همان قواعد نیز قاعده (البینه علی المدعی) قاطع قواعد دیگر است. به این تعبیر که چنانچه مأمور مالیاتی خواسته باشد برگ تشخیص (ادعا نامه) صادر کند، در اجرای ماده ۲۳۷ ق.م.م. این برگ تشخیص و طبعاً گزارش پایه آن باید از مدارک و اسناد کافی و دلایل موجه تکمیل شده باشد که در غیر این صورت خالی از اشکال نیست و این نشانگر قاطع بودن قاعده البینه علی المدعی است.

بخشنامه

بخشنامه^۸ عبارت است از تعلیم یا تعلیمات کلی و یکنواخت و به صورت کتبی که از طرف مقام اداری به رؤسین برای ارشاد به مدلول و طرز تطبیق قانون یا آیین‌نامه داده شود و نباید مخالف قانون یا آیین‌نامه باشد. بخشنامه قابل استناد

مؤدی در مقابل آن اسناد و مدارکی ارائه دهد (در واقع اقرار کنند) مأمور مالیاتی (بنابراین با اقرار نه صرف وجود تراکنش بانکی) می‌تواند نسبت به آن اظهار نظر کند و در واقع به استناد تراکنش بانکی از مؤدی درخواست پاسخگویی می‌شود و این بزرگ‌ترین نقش تراکنش بانکی است و یکی از مهم‌ترین تفاوت‌هایش با سایر اطلاعات مالیاتی نیز است. در صورتی که در سایر اطلاعات، عموم اطلاعات دریافتی را می‌توان مستقیماً مشمول و یا غیرمشمول مالیات کرد و حال این که تراکنش‌های بانکی از چنین خاصیتی برخوردار نیست. اما اگر چنانچه مؤدی در دسترس نباشد، حضور پیدا نکند، و پاسخگو نشود (تراکنش‌های بانکی نامشخص)، سؤال مهم این است که کدام ماده قانونی تکلیفی بر شمولیت آن بستانکاری تراکنش بانکی بر عهده مأمور مالیاتی قرار داده است؟ یعنی برخلاف تبصره ۳ ماده ۱۴۷ ق.م.م. که حکم قانونی بر عدم قبولی هزینه‌های بالای ۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال که در بدهکاری تراکنش بانکی درج نشده را صادر کرده، به طور مشابه و در جهت معکوس این حکم و تحت هر شرایطی در

در دادگاه نیست و فی حد ذات، منشأ حق و تکلیف جدیدی نیست و در صورت تعارض با قانون یا آیین‌نامه نباید به آن عمل کرد. بخشنامه نمی‌تواند ایجادکننده حق و تکلیف جدیدی باشد و به همین دلیل مستند رأی دادگاه قرار نمی‌گیرد و اصحاب دعوا نیز نمی‌توانند به آن استناد کنند. از این رو گفته می‌شود که بخشنامه‌ها همیشه جنبه اعلامی داشته و همیشه شارح است، نه مؤسس؛ و بخشنامه جایگاهی در سلسله مراتب قانون در معنای عام آن، ندارد و از منابع حقوق به‌شمار نمی‌رود و این که گاه در طبقه‌بندی قوانین، بخش‌نامه را هم ذکر می‌کنند، نباید موجب این توهم شود که بخش‌نامه نیز قانون است. جایگزین شدن بخشنامه‌ها به جای قانون به اصل تفکیک قوا در قانون اساسی خدشه وارد می‌کند و نمی‌توان در قالب بخشنامه قانون وضع کرد [۳۵].

آیین‌نامه

(الف) مقرراتی که مقامات صلاحیتدار مانند

وزیر یا شهردار و غیره وضع و در معرض اجرا می‌گذارد خواه هدف آن تسهیل اجرا و تشریح قانونی از قوانین موضوع باشد خواه در مواردی باشد که اساساً قانونی وضع نشده است. در همین مورد، لفظ نظامنامه هم استعمال شده است. در حقوق اسلام این‌گونه مقررات را حکم می‌گفتند و آن را در مقابل شرع به کار می‌برند.

(ب) آیین‌نامه^۹ یا نظامنامه عبارت است از مقررات کلی که توسط مراجع اجرایی قانون به منظور اجراء وظایف اجرایی و تحقق بخشیدن به آنها وضع شده باشد و شامل آیین‌نامه‌های مصوب پارلمان نمی‌باشد (آیین‌نامه‌های مصوب پارلمان داخل در مفهوم قانون به معنی اعم که شامل کلیه مصوبات کلی پارلمان است می‌شود).

آیین‌نامه به این معنی مفهوم عامی دارد که جز قانون (یعنی مصوبات پارلمان) و بخشنامه همه چیز را شامل است و مفهوم تصویب‌نامه از تحت آن خارج نیست و

معنی درست آیین‌نامه همین است. اعتبار آیین‌نامه منوط است به این که اولاً مغایر قانون عادی نباشد ثانیاً تکالیف جدیدی برای مردم ایجاد نکند [۳].

رسیدگی مالیاتی تراکنش‌های بانکی در عمل

الف- رسیدگی سنوات قبل از ۱۳۹۵ ادارات امور مالیاتی و مأموران مالیاتی اقدام به رسیدگی سنوات قبل از تاریخ اجرای اصلاحیه قانون (۱۳۹۵) می‌کنند و گویا از این بابت مفاد ماده ۲۸۱ ق.م.م که تاریخ اجرای اصلاحیه را به صراحت عنوان کرده است، قاطع نبوده و آنان باید برای جلوگیری از مرور زمان مالیاتی، براساس اصلاحیه جدید و بخشنامه‌های مربوط اقدام شایسته‌ای کنند. که از این بابت آرای متعددی مبنی بر ایشکال بر این رویه سازمان مالیاتی وارد آمده که برخی از آنها به شرح زیر است:

۱- شعبه ۱۵ دیوان عدالت اداری طی رأی شماره ۲۱۱ مورخ ۹۹/۲/۲۰ به شماره پرونده ۹۸۱۱۶۳/۱۵ [۱۱].

۲- شعبه ۳ (۱۴ سابق) دیوان عدالت اداری طی رأی شماره ۵۵۰ مورخ ۹۹/۲/۱۸ به شماره پرونده ۱۴۸۳۴۳۵ [۱۰].

۳- شعبه ۴ دیوان عدالت اداری طی رأی شماره ۲۳۳۷ به شماره پرونده ۹۸۰۸۷۶ [۱۲].

۴- از همه مهمتر هیئت تخصصی اقتصادی، مالی و اصناف دیوان عدالت اداری طبق حکم شماره ۹۷۰۰۱۳۱ مورخ ۹۷/۶/۲۷ [۳۱] به شرح زیر:

(نظر به این که دستورالعمل مورد بحث در راستای ضابطه‌انگاری نحوه رسیدگی به تراکنش‌های بانکی و ایجاد رویه و جلوگیری از تشتت رسیدگی در هیئت‌های





اصالت برخوردار هستند. با همه این اوصاف چند نکته همچنان در این مقطع مورد نظر باید مد نظر قرار گیرد.

جنس بخشنامه شماره ۲۰/۹۹/۱۶ مورخ ۹۹/۲/۳۱ بر قاعده برهان خلف نهاده شده است. در این بخشنامه ضمن اعلام این که تراکنش‌های بانکی به خودی خود مالی و درآمدی نبوده و آن باید اثبات شود، سعی در احصاء حالت‌های متفاوت بستانکاری تراکنش‌های بانکی دارد به گونه‌ای که در انتها موارد مانده را به عنوان درآمد تلقی می‌کند که این روش در محاکم قضایی مسموع نیست. مثلاً مسموع نیست که گفته شود چون شب نیست، پس حتماً روز است (شاید بامداد یا شامگاه باشد)، چون مرد نیست پس حتماً زن است (شاید خنثی باشد) و یا چون الف و ب و ج نیست پس د است (شاید ه یا و باشد). بلکه روش مطلوب، ارائه مستقیم بینة روشن و قطعی است و

قائده قبح عقاب بلا بیان است.

ب- رسیدگی از سال ۱۳۹۵ تا سال قبل از سال جاری این سنوات از دو جهت اهمیت دارند: اولاً قبل سال ۹۷ در اجرای ماده ۱۰۶ ق.م.م روش محاسبه مالیات، روش رسیدگی به دفاتر (و عنداللزوم علی‌الرأس) است و بعد از آن در اجرای همان ماده در اصلاحیه ۱۳۹۴، روش محاسبه مالیات از طریق سوددهی فعالیت است که روش اجرایی آن در ماده ۴۱ آیین‌نامه ماده ۲۱۹ ق.م.م تبیین شده است. ثانیاً همچنان رسیدگی به تراکنش‌های بانکی این سنوات عمدتاً در قالب متمم مالیات و در اجرای ماده ۱۵۷ ق.م.م معنا و مفهوم پیدا می‌کند.

به هر جهت در این مقطع مشکل عدم عطف به ماسبق نشدن مالیات و قاعده قبح عقاب بلا بیان و امثالهم وجود نداشته و مالیات‌های محاسباتی کاملاً مَرّ قانون بوده و از صحت و

حل اختلاف مالیاتی بوده و محاسنی همچون رفع تعرض مالیاتی از گردش بین حساب‌های واحد یک مؤدی و درآمد تلقی نکردن آن و نیز رعایت مرور زمان مالیاتی و همچنین اقدامات قانونی از تاریخ ۹۵/۱/۱ (زمان اجرایی اصلاحیه قانون مذکور) داشته و صراحتی مبنی بر تسری احکام خاص اصلاحیه قانون به گذشته ندارد. بنابراین دستورالعمل مورد شکایت در تبیین حکم مقنن و شیوه‌های اجرایی آن بوده لذا خلاف قانون و خارج از اختیار نبوده به استناد بند ب ماده ۸۴ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲ رأی به رد شکایت صادر و اعلام می‌کند.

که به وضوح به معنای عدم کاربرد دستورالعمل برای سنوات قبل ۱۳۹۵ است و دلیل آن هم عمدتاً به علت عطف به ماسبق نشده قانون موضوع اصل ۱۶۹ قانون اساسی^{۱۰} و ماده ۴ قانون مدنی^{۱۱} و



خم این روند طولانی حوادث شناخته و ناشناخته‌ای بروز می‌کند. نمونه بارز آن بسط و گسترش مالیات ارزش افزوده است که اخیراً اصلاحیه آن بعد از شاید بیش از یک دهه به تصویب مجلس محترم شورای اسلامی رسید و به این زمان باید مراحل قبل که شاید قریب بیست سال زمان برد را اضافه کرد.

این روند شامل فکر، تحقیق، تفحص، مطالعه، مباحثه در خصوص شرایط اصلاح یا تأسیس مالیات جدید می‌باشد که پس از آن، مورد در قالب یک لایحه از طریق سازمان امور مالیاتی و توجیه وزارت متبوع در هیئت محترم وزیران طرح و به تأیید برسد تا تقدیم مجلس (و بالتبع کمیسیون‌های تخصصی مثل کمیسیون اقتصادی و نیز مرکز پژوهش‌های مجلس) شود تا با سپری شدن پیچ و خم‌های تصویب قانون، مجوز عملیاتی کردن این نوع اصلاح یا تأسیس اخذ مالیات جدید (قانونی بودن مالیات) گرفته شود و از همه آنها مهمتر تعامل و عکس‌العمل آحاد جامعه با این نوع مالیات است به گونه‌ای که چنانچه عکس‌العمل جامعه همانند پیش‌بینی نباشد در آن صورت خروجی بدست آمده طبق معمول با پیش‌بینی صورت گرفته، ممکن است اختلاف زیاد داشته و حتی گهگاه منجر به عواقب ناگوار دیگری نیز بشود.

بنابراین راه حل اساسی تکیه بر پایگاه‌های تحلیل داده مالیاتی^{۱۴} است که ضمن جمع‌آوری تمامی اطلاعات از جمله اطلاعات ناشی از منابع مختلف مالیاتی، اقدام به داده‌کاوی^{۱۵} و تحلیل اطلاعات^{۱۶} خواهد کرد [۳۲].

به هر جهت دریافت و رسیدگی تراکنش‌های بانکی، حاصل سعی و تلاش

قائده البینه علی المدعی مُکَلَّف به ارائه مدرک مُحکَمه پَسند است که در هر حال تراکنش بانکی این مدرک نیست.

ج- رسیدگی از سال جاری به بعد در این مقطع نیز دو اتفاق قابل تَعَمُّق بوجود می‌آید. اولاً براساس نامه شماره ۹۹/۹/۲۹ مورخ ۲۷۰/۱۶۳۷۳/ص محترم فناوری‌های مالیاتی سازمان امور مالیاتی دسترسی به تراکنش بانکی به مراتب راحت‌تر، سیستمی، به موقع و با قابلیت‌های به مراتب بیشتر راه‌اندازی خواهد شد و ثانیاً از طرف دیگر اصلاً بحث محاسبات متمم مالیات منتفی بوده و هر آنچه محاسبه خواهد شد مربوط به مالیات عملکرد و مشاغل مؤدیان حقوقی و حقیقی خواهد بود و لذا در این مقطع ما به یک بلوغ در رسیدگی به موقع نائل خواهیم شد. اما متأسفانه مجدداً خلاء قانونی مُتکی بر اصل برائت^{۱۲} همچنان وجود داشته و محاسبات را خالی از اشکال نخواهد کرد (حتی این ایراد در سایر قوانین^{۱۳} نیز تأکید شده است).

جمع‌بندی و پیشنهادات

بسط و گسترش هر رشته مالیات و یا اصلاحات اساسی در مالیات‌ها روندی زمان‌بر و انرژی‌بر بوده و در پیچ و

لذا با فرار به جلو و پریدن از این مشکل قانونی و نیز برای تحکیم کلام، اول در پی اخذ اقرار از مؤدی رفته و آن را ملاک عمل قرار می‌دهد و سپس در صورت فقدان آن مأموران را مُکَلَّف به تحقیق و سپس محاسبه مالیات می‌کند.

در این مجال نکته مهم این که چنانچه مؤدی کتباً اقرار به اخذ درآمد کند خود به خود با رعایت ماده ۱۵۷ ق.م.م. مشمول مالیات خواهد شد و نیازی به تراکنش بانکی و امثالهم وجود ندارد. همچنین این که مأموران مالیاتی مکلف به تحقیق و بررسی شده‌اند، عملاً چنین اتفاقی به باد فراموشی سپرده شده و در صورت عدم اثبات غیردرآمدی بودن تراکنش بانکی توسط مؤدی در هر حال و مستقیماً و بدون تحقیقات لازم، مشمول مالیات می‌شوند. یعنی در این صورت تراکنش بانکی مدرکی مثبت (نه مؤید) تلقی می‌شود. به هر جهت همچنان این سؤال باقی می‌ماند که در صورت عدم حضور و یا سکوت مؤدی چگونه مأمور مالیاتی از روی تراکنش بانکی پی به کسب درآمد برده و مالیات را محاسبه می‌کند؟ لذا از این جهت عموم گزارشات تنظیمی مخدوش می‌باشند و مجدداً باید تأکید کرد تراکنش بانکی صرفاً مدرک مؤید هست نه مدرک مثبت و این مأمور مالیاتی است که بر اساس

چندین دهه مدیران و کارکنان خدمت سازمان امور مالیاتی کشور است و آن به تصویب ماده ۱۲۰ قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی و اجتماعی [۲۴] و نیز دستورالعمل تبادل اطلاعات مؤدیان مالیاتی [۳۰] باز می‌گردد، که به جهت وجود مسائلی که اخیراً عرض شد هنوز از پختگی و قوام لازم برخوردار نبوده و نیازمند اصلاحاتی است. این اصلاحات به نظر می‌رسد با صدور بخشنامه و امثال این اجرایی نخواهد شد و بنابراین پیشنهاد می‌شود جهت حل و فصل اساسی مسائل مطرح شده، حل مسئله و شکل رسیدگی به آن در قالب ماده‌ای یا تبصره‌ای در متن قانون آورده شود و در همین الحاقی، مجوز صدور آیین‌نامه رسیدگی تراکنش‌های بانکی به سازمان امور مالیاتی داده شود که بدین طریق، مورد مستقیماً و بدون واسطه و بدون ابهام مطرح و حل خواهد شد.

به نظر می‌رسد یکی از بهترین مکان‌های ممکن برای تأسیس این الحاقی، ذیل تبصره ۳ ماده ۱۴۷ ق.م.م. مصوب ۱۳۹۴ می‌باشد و به نام تبصره ۴ می‌تواند آورده شود. این که در تبصره ۳ کنونی بحث هزینه‌های بالای ۵۰ میلیون ریال و تأیید آن در تراکنش‌های بانکی آمده و شرایط؛ مهیای عنوان رسیدگی به بستانکاری این تراکنش‌ها است.

در واقع متن تبصره پیشنهادی به شرح زیر می‌تواند مطرح شود:

سازمان امور مالیاتی کشور می‌تواند جهت رسیدگی به تراکنش‌های بانکی براساس آیین‌نامه‌ای که ظرف مهلت شش ماه از تاریخ تصویب این تبصره، تدوین کرده و پس از تأیید وزیر امور اقتصادی و دارایی و تصویب نهایی هیأت دولت، اجرایی می‌شود به مؤدیان مربوطه مراجعه کنند

و مالیات‌های حقه و قانونی دولت را با رعایت مفاد ماده‌های ۱۵۷ و ۲۲۹ این قانون مطالبه و وصول کنند.

با تصویب این تبصره الحاقی، از این به بعد اساساً و لزوماً تراکنش‌های بانکی، دیگر مدرکی مؤید نبوده و به نوعی مدرک مثبت تلقی می‌شود و دیگر قانون‌گذار عالم‌فارغ از تفسیر مضیق و محدود قانون از قائده البینه علی المدعی به قائده اقدام رجعت کرده و این حکم را صادر می‌کند و کل مسائل اخیر از بین رفته و به نوعی شفاف‌سازی صورت خواهد گرفت. در ضمن بحث آیین‌نامه‌نویسی و جایگاه آن و نیز قانونی بودن مالیات نیز پوشش خواهد یافت و با رویکردی ارشادی و تنبیهی مؤدیانی که به هر نحوی پاسخگو نیستند را با این عمل به تمکین قانون و انجام تکالیف قانونی مجاب می‌کند.

پی‌نوشت‌ها:

۱- در بند الف ماده ۲ قانون تجارت الکترونیک [۲۲] آمده است: داده پیام (Data Message)، هر نمادی از واقعه، اطلاعات یا مفهوم است که با وسایل الکترونیکی، نوری و با فناوری‌های جدید

تولید، ارسال، دریافت، ذخیره یا پردازش می‌شود.

2- Electronic Fund Transfer (EFT) - Point of Sale (POS)

3- Electronic Banking Network

۴- ماده ۱۲۸۷ قانون مدنی [۲۶]: سند رسمی عبارت از اسنادی است که در اداره ثبت اسناد و املاک و یا دفاتر اسناد رسمی یا در نزد سایر مأموران رسمی در حدود صلاحیت آنها، طبق مقررات قانونی تنظیم شده باشند.

۵- ماده ۱۲۵۹ قانون مدنی [۲۶] مقرر می‌دارد: اقرار عبارت از اخبار به حقی است برای غیر و به ضرر خود.

6- Unspecified Banking Transactions - UBT

۷- ماده ۲۳۷ قانون مالیات‌های مستقیم [۱۹]: برگ تشخیص مالیات باید بر اساس مأخذ صحیح و متکی به دلایل و اطلاعات کافی و به نحوی تنظیم شود که کلیه فعالیت‌های مربوط و درآمدهای حاصل از آن به طور صریح در آن قید و برای مؤدی روشن باشد. امضاکنندگان برگ تشخیص مالیات باید نام کامل و سمت خود را در برگ تشخیص به طور خوانا قید کنند و مسئول مندرجات برگ تشخیص و نظریه



خود از هر جهت خواهند بود و در صورت استعلام مؤدی از نحوه تشخیص مالیات مکلفند جزئیات گزارشی را که مبنای صدور برگ تشخیص قرار گرفته است به مؤدی اعلام کنند و هر گونه توضیحی را در این خصوص بخواهد به او بدهند.

8- Circular

9- Regulations

۱۰- اصل ۱۶۹ قانون اساسی [۱۸]: هیچ فعلی یا ترک فعلی به استناد قانونی که بعد از آن وضع شده است جرم محسوب نمی شود.
۱۱- ماده ۴ قانون مدنی [۲۶]: اثر قانون نسبت به آتیه است و قانون نسبت به ماقبل خود اثر ندارد مگر این که در خود قانون مقررات خاصی نسبت به این موضوع اتخاذ شده باشد.

۱۲- اصل ۳۷ قانون اساسی [۱۸]: اصل، برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی شود، مگر این که جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد.

۱۳- ماده ۱۹۷ قانون آیین دادرسی مدنی [۲۱]: اصل برائت است. بنابراین اگر کسی مدعی حق یا دینی بر دیگری باشد باید آن را اثبات کند، در غیر این صورت با سوگند خوانده حکم برائت صادر خواهد شد.

14- Tax Database Analysis

15- Data Mining

16- Information Analysis

منابع

۱. جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (۱۳۸۶). اصطلاحات حقوقی، ناشر گنج دانش، تهران.
۲. سازمان حسابرسی. (۱۳۹۵). استاندارد حسابرسی شماره ۲۳۰، ناشر انتشارات سازمان حسابرسی، تهران.
۳. شعبه ۳ (۱۴ سابق) دیوان عدالت اداری. رای شماره ۵۵۰ مورخ ۹۹/۲/۱۸، شماره پرونده ۱۴۸۳۴۳۵.
۴. شعبه ۱۵ دیوان عدالت اداری. رای شماره ۲۱۱ مورخ ۹۹/۲/۲۰، شماره پرونده ۹۸۱۱۶۳/۱۵.
۵. شعبه ۴ دیوان عدالت اداری. رای شماره ۲۳۳۷ مورخ ۱۳۹۹، شماره پرونده ۹۸۰۸۷۶.
۶. عبدالهی، حسین. (۱۳۹۹). "ارزیابی مالیات بر اساس معاملات بانکی در نظام حقوقی ایران"، فصلنامه تحقیقات مالیاتی شماره ۴۸، ناشر سازمان مالیاتی، تهران: صفحات ۶۱-۸۱.
۷. مجلس شورای اسلامی. (۱۳۸۶). آیین نامه نظام بانکداری الکترونیکی، بند د ماده ۱.
۸. مجلس شورای اسلامی. (۱۳۸۹). قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی و اجتماعی، ماده ۱۲۰.
۹. وزارت امور اقتصادی و دارایی. (۱۳۹۰).

دستورالعمل تبادل اطلاعات مؤدیان مالیاتی. ۱۰. هیئت تخصصی اقتصادی، مالی و اصناف دیوان عدالت اداری. رأی شماره ۹۷۰۰۰۱۳۱ مورخ ۹۷/۶/۲۷ به شماره پرونده ۹۶/۷۵۰.

11. G.D.K.Kishore, B.Anusha, G.Poornima, G.Anusha, K.Tejaswi, (2012), "Decision Making and Reduction Techniques for Tax Revenue using Data Warehouse", International Journal of Engineering Trends and Technology, Volume3, Available at: <http://www.ijettjournal.org/volume-3/issue-1/IJETT-V3I1P205.pdf>

12. <http://new-accounting.blogfa.com/post/22/>

تعریف-کاربرگ-حسابرسی-اهداف-و-انواع-کاربرگ‌های-حسابرسی

Written by Sadjad Babaei on 2012/18/4, Received on 1400/4/20, at 19:30 p.m.

13. Wikipedia.org/wiki/ Re-
ceived on 1400/4/20, at 19/30

فرهاد حکیمی: دکتری اقتصاد و دانشجوی ارشد حقوق خصوصی و نماینده هیات حل اختلاف مودیان بزرگ غلامرضا رادمهر: استادیار گروه حقوق واحد الکترونیکی دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

